

ترجمه

حال جناب آقا

عبدالصالح باغبان

هو الله

و از جمله مهاجرین و مجاورین سجن اعظم جناب آقا عبد الصالح باغبان بود * این وجود مسعود از اصفهان بود و از اولاد قدمای احباب * پدر پاک گهرش فوت شد و این طفل در سبیل الهی یتیم نشو و نما نمود بیکس و بی پرستار بود و مظلوم در دست هر ستمکار * باری، تا آنکه ببلوغ رسید بعد از بلوغ آهنگ کوی دوست نمود و هجرت بسجن اعظم کرد و در باغ رضوان بشرف باغبانی فائز شد *

فی الحقیقه در باغبانی بی نظیر بود و در ایمان و ایقان متین و رزین و صادق و امین بود و در اخلاق مستفیض از آیة مبارکاء و انک لعلی خلق عظیم * لهذا بباغبانی رضوان سر افراز شد و باین وسیله در اکثر ایام بشرف لقا فائز بود و بموهبت عظمی حائز زیرا اسم اعظم روحی لاحبائه الفدا نه سال در قلعه عکا محبوس و محصور و فراشان و چاوشان در قشله و بعد در خانه دائماً

مواظب * جمال مبارک در خانه محقری ساکن و از این لانه و آشیانه تنگ قدمی بیرون نمیگذاشتند زیرا عوانان مواظبت تامّه داشتند * ولی بعد از نه سال موعّد ایّام مقدور محتوم منقضی گشت و رغماً لأنف ستمکار عبدالحمید و عونہ اش بنہایت اقتدار از قلعه برون رفتند و در قصر ملوکانه خارج شهر منزل گرفتند *

با وجود آنکه عبدالحمید بی‌نہایت تشدید مینمود و متّصل تأکید در سجن میکرد لکن جمال مبارک روحی لاحبّائہ الفداء در نہایت عزّت و اقتدار * چنانکہ معلوم عموم است گاهی در قصر بودند و گھی در مزرعه و ایّامی در حیفا و اوقاتی خیمه مبارک در قمّه جبل کرمّل زده میشد و احبّای الہی از ہر دیار حاضر میشدند و بشرف لقا فائز میگشتند * اہالی و ارکان حکومت جمیع میدیدند با وجود این نفسی نفسی نمیزد * و این از اعظم معجزات جمال مبارک است کہ مسجون بودند ولی در نہایت حشمت و اقتدار حرکت میکردند زندان ایوان شد و نفس سجن باغ جنان گشت * و این در قرون اولی ابدًا وقوع ندارد کہ شخصی اسیر زندان بقوت و اقتدار حرکت فرماید و در زیر زنجیر صیت امر اللہ بفلک اثیر رسد و در شرق و غرب فتوحات عظیمہ گردد و بقلم اعلی کون را مسخر کند * هذا ما امتاز به هذا الظهور العظیم *

روزی جمیع ارکان حکومت و امراء مملکت و علماء مدینہ و مشاہیر عرفاء بلاد بقصر آمدند جمال مبارک ابدًا اعتنائی نفرمود و بساحت اقدس راہ نداد حتیٰ

پرسش خاطری نفرمود * این عبد با آنان نشسته ساعتی چند مصاحبت نمود بعد مراجعت کردند * با وجود آنکه فرمان پادشاهی مصرّح باین بود که جمال مبارک باید در داخل قلعه عکا در حجره تنها در تحت قراول محبوس باشند قدمی برون نهند حتّی با نفسی از احبّا ملاقات نکنند با وجود چنین فرمانی و حکم نافذی خیمه و خرگاه مبارک با نهایت حشمت در جبل کرم مرتفع * چه قوّه و قدرتی اعظم از این که در زندان عَلمِ رحمن مرتفع گردد و بر آفاق موج زند * سبحان من له هذه القدرة و العظمة * سبحان من له العزّة و الکبرياء * سبحان من له الغلبة على الاعداء و هو فى سجن عکاء *

باری، عبد الصّالح مذکور طالعش بلند و اخترش مسعود زیرا در اکثر اوقات بشرف لقا فائز چند سال باین خدمت سر افراز و در کمال امانت و دیانت و صداقت ایّامی بسر برد و در نزد جمیع احبّا خاضع و خاشع بود در این مدّت نفسی را مکدّر نکرد * عاقبت از این جوار باغ بجوار رحمت کبری شتافت و جمال قدم از او راضی و بعد از صعودش زیارتی از برای او از قلم اعلی صادر و خطابی از فم مطهّر نازل و مندرج در کتب و الواح است * و علیه البهّاء الابهی و علیه الرّحمة فى الملکوت الاعلى *